

انسان منتظر از دیدگاه انجمن حجتیه و امام خمینی (س)

عباس کشاورز شکری

دانشیار دانشگاه شاهد گروه علوم سیاسی
abbaskeshavarz1@yahoo.com

امین خدابخشی

دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی
amin57@chmail.ir

چکیده: سؤال اصلی این مقاله آن است که انسان منتظر از دیدگاه امام خمینی و انجمن حجتیه چه تفاوتی با هم دارند. از این رو با استفاده از اسناد و مدارکی که در این حوزه وجود دارد و با روش تحلیل اسنادی تلاش می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود. سابقه انسان منتظر به قبل از تولد امام زمان (عج) برمی‌گردد. این وعده که حکومت عدل توسط امام آخر زمان برپا می‌شود را پیامبران از همان ابتدا، به امت خود وعده می‌دادند. اما آنچه منظور از انسان منتظر در این مقاله است، به طور عام از دوران غیبت کبری به بعد و به طور خاص دوره معاصر را در نظر دارد. از این رو در این مقاله به بررسی دو دیدگاه انجمن حجتیه و امام خمینی در مورد انسان منتظر پرداخته شده است. یافته‌های این مقاله آن است که انسان منتظر از دیدگاه انجمن حجتیه انسانی است که نه تنها تشکیل حکومت در دوران غیبت را محکوم می‌کند بلکه انسان منتظر باید برای پیشبرد اهداف خود در سایه تقیه و صبر با حکومت جور نیز موافقت زبانی کند. گریه زیاد از دوری حضرت و همچنین صدقه دادن برای سلامتی حضرت از دیگر ویژگی‌های انسان منتظر از نگاه انجمن حجتیه است. حال آنکه امام مهم‌ترین و بدیهی‌ترین تکلیف انسان منتظر را تشکیل حکومت عدل و همچنین قیام در برابر حکام جور می‌داند.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، انجمن حجتیه، امام زمان (عج)، انسان منتظر.

انتظار حکومت عدل آخر زمانی نه تنها مختص به اسلام نیست بلکه این اعتقاد از سده‌های پیش از ظهور اسلام، مطرح بوده است و حتی در کتب مقدس و آثار پیشینیان، به حکومت عدل حضرت مهدی که در آخر زمان شکل خواهد گرفت اشاره شده است اینکه آخرالزمان شخصی که مهدی لقب دارد ظهور خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد می‌کند معمولاً قدمتی به اندازه عمر انسان دارد. آنچه منظور از انسان منتظر در این تحقیق است بعد از غیبت حضرت صاحب^(عج) شکل گرفته است. انتظار نوعی طلب است، طلب حکومتی مبتنی بر عدل. آدمی در طلب است که حرکت می‌کند و از این طلب است که تاریخ رقم می‌خورد. اما به طور خاص اعتقاد به حکومت عدل مهدوی را می‌توان در عقاید شیعه جستجو کرد. از این رو انتظار به استراتژی‌ای برای حرکت شیعه در طول تاریخ تبدیل شده است و شیعه در سایه‌ی این انتظار همواره در پی تغییر وضع موجود به وضع مطلوب بوده است. اما «از همان ابتدای غیبت، عده‌ای برای اهداف مورد نظر خود از این اندیشه بهره جستند و فرقه‌های مذهبی و سیاسی بسیاری بر همین اندیشه و مبنا شکل داده‌اند. از طرفی ایران نیز بعد از صفویه تنها کشور با حکومتی است که داعیه شیعه‌گری دارد و غالب جمعیت را شیعه تشکیل می‌دهد و در روایات نیز نقش برجسته‌ای برای یاری منجی موعود آخر زمان دارا می‌باشد. این عوامل زمینه مناسبی را برای فعالیت اندیشه مهدویت در ایران فراهم کرده است. در ایران چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام مذهب همیشه نقش برجسته‌ای در حرکت‌های اجتماعی و تحولات سیاسی داشته است. در ایران معاصر خصوصاً از ابتدای دوره قاجار شاهد حرکت‌های اجتماعی سیاسی هستیم که مهدویت در آن نمود بیشتری پیدا کرده است. از آن جمله قیام‌های بابیه، بهائیه، نهضت تنباکو، جنبش ضد بهائیت (انجمن حجتیه) انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی از شاخص‌ترین آنهاست (گلین‌رستمی ۱۳۹۰: ۴). که به نوعی به ادامه حکومت امامان و زمینه‌سازی برای حکومت امام زمان^(عج) منتسب است. به طور کلی، در دوران اخیر دو تفکر از مهدویت در ایران ظهور کرد تفکری که پایه‌گذار آن شیخ محمود حلبی بود. این تفکر با نام انجمن حجتیه شروع به فعالیت کرد و توانست در کشور شعبه‌هایی را افتتاح کند و به جذب افراد بپردازد. از سوی دیگر، حرکتی نیز با رهبری امام و قرائت خاص خود از مهدویت شکل گرفت که این حرکت نیز منجر به شکل‌گیری انقلاب اسلامی و روی کار آمدن جمهوری اسلامی شد. آنچه در اینجا قابل ذکر

است نوع نگاه این دو تفکر به مهدویت است. چرا که این دو تفکر زاویه‌ای صدوهشتاد درجه‌ای با هم دارند. از سویی انجمن هر نوع حکومتی با نام حکومت اسلام در دوران غیبت را محکوم می‌کند و از سوی دیگر، حضرت امام مهم‌ترین و بدیهی‌ترین کار در دوران غیبت را تشکیل حکومت اسلامی می‌داند. از این رو در این مقاله با ذکر دیدگاه هر دو جریان می‌خواهیم به این سؤال پاسخ دهیم که تکلیف انسان منتظر در دوران غیبت از نظر انجمن حجتیه و امام چیست؟ در این مقاله چند پرسش فرعی نیز پاسخ داده می‌شوند اینک:

۱. آیا ظهور حضرت نیازمند زمینه‌سازی است؟ هر یک از دو دیدگاه چه نظری دارند؟
 ۲. اگر نیازمند زمینه‌سازی است انسان منتظر بیشتر باید تلاش در جهت پر کردن عالم از گناه کرد یا باید به مقابله با ظلم بپردازد؟
 ۳. انسان منتظر بیشتر باید چه هدفی را در دوران غیبت دنبال کند؟
 ۴. وجه تمایز انسان منتظر با انسان غیر منتظر در این دو دیدگاه چیست؟
- روش به‌کار رفته در این مقاله روش کیفی و از نوع تحلیل اسنادی می‌باشد. پژوهش اسنادی، پژوهش مبتنی بر شواهد برگرفته از مطالعه اسناد؛ مانند آرشیوها یا آمار رسمی است. تحقیقات اسنادی documentary زمانی که بخواهیم روی اسناد و تاریخ تحقیق کنیم، کاربرد دارند. «اسناد تا آنجایی که در قالب‌های خاصی تهیه می‌شوند، موضوعات استاندارد به حساب می‌آیند: یک یادداشت، گزارش‌های موردی، قراردادهای، پیش‌نویس‌ها، گواهی‌های مرگ، اظهارنظرات، دفترچه‌های خاطرات، آمارها، گزارش‌های سالانه، گواهی‌نامه‌ها، احکام قضائی، نامه‌ها یا اظهارنظرهای کارشناسانه» (فلیک ۱۳۹۱: ۲۷۵).

پیشینه‌ی تحقیق

تا به حال کتب و مقالاتی نیز در این حوزه نوشته شده است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. صدقی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «جریان شناسی انجمن حجتیه» که با روش اسنادی صورت گرفته است، در نظر دارد فعالیت‌های انجمن حجتیه را پیش و پس از انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار دهد و واکنش امام خمینی را در برابر این جریان بازگو کند. مقاله حاضر نیز با روش اسنادی انجام گرفته است، تفاوت این مقاله با مقاله حاضر در انتخاب

موضوع است. مقاله حاضر به تکلیف انسان منتظر از دیدگاه انجمن حجتیه و حضرت امام پرداخته است.

۲. مهدی رضایی (۱۳۹۲) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «انجمن حجتیه و مهدویت» در پی پاسخ گویی به این سؤال است که انجمن حجتیه در خصوص مهدویت چه دیدگاهی را دنبال می‌کرد؟ این پایان نامه با روش اسنادی صورت گرفته است.

تفاوت پایان نامه با این مقاله در موضوع مورد مطالعه است، مقاله حاضر به بررسی نقش انسان منتظر در دوران غیبت از دیدگاه انجمن حجتیه و امام پرداخته است.

۳. شمس آبادی در مقاله خود (۱۳۸۹) که به روش اسنادی صورت گرفته است، سعی کرده است تا با بررسی بسترها و زمینه‌های تشکیل انجمن حجتیه و مبانی فکری آن، رویکرد این انجمن نسبت به مبارزه، انقلاب و امام را روشن کند. تفاوت این مقاله با مقاله حاضر در انتخاب موضوع است. مقاله حاضر به بررسی نقش انسان منتظر در دوران غیبت از دیدگاه انجمن حجتیه و امام پرداخته است.

۴. محمد دوست (۱۳۹۳) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود که با روش اسنادی صورت گرفته است به دنبال نسبت سنجی اندیشه سیاسی مکتب تفکیک با اندیشه سیاسی امام خمینی است. تفاوت این اثر با مقاله حاضر در انتخاب موضوع است. مقاله حاضر به بررسی نقش انسان منتظر در دوران غیبت از دیدگاه انجمن حجتیه و امام پرداخته است.

۵. مهم‌ترین اثر در مورد انجمن حجتیه کتاب عمادالدین باقی (۱۳۶۲) است. نویسنده در این کتاب به پیدایی، تفکرات، تشکیلات و موضع‌گیری‌های انجمن قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۶۲، پرداخته است. این کتاب با روش اسنادی صورت گرفته است. تفاوت این اثر با مقاله حاضر در انتخاب موضوع است. مقاله حاضر به بررسی نقش انسان منتظر در دوران غیبت از دیدگاه انجمن حجتیه و امام پرداخته است.

۶. علیانسب (۱۳۸۶) در کتاب خود که به روش اسنادی صورت گرفته است به دنبال دریافتی از فعالیت‌های انجمن حجتیه است. این کتاب هفت فصل دارد که در این فصول شکل‌گیری، عملکرد، عقاید، روابط با رژیم پهلوی، بعد تشکیلاتی، انجمن و نهضت امام و تحولات اخیر انجمن حجتیه مورد بررسی قرار گرفته است. تفاوت این کتاب، با مقاله حاضر در انتخاب موضوع است. مقاله حاضر به بررسی نقش انسان منتظر در دوران غیبت از دیدگاه انجمن حجتیه و امام

پرداخته است.

۷. شجاعی مهر (۱۳۸۷) در مقاله خود که به روش اسنادی صورت گرفته است به دنبال نگاه امام به مقوله مهدویت است از نظر نویسندگان، رویکرد کلامی سیاسی امام خمینی به آموزه مهدویت را در مؤلفه‌هایی چون امامت در نگرش سیاسی ایشان، مفهوم انتظار فرج، نفی قرائت‌های سلبی از انتظار منجی، تبدیل گفتمان سلبی انتظار بر پایه استراتژی انتظار، تحقق تمدن بزرگ اسلامی تنها راه رسیدن به دولت کریمه مهدویت را تبیین و بررسی کرده است که چگونه امام با بازسازی مفهوم انتظار فرج و قرائت صحیح از امامت و مهدویت توانست راهی برای برون رفت جامعه از وضع موجود به وضع مطلوب ایجاد نماید. تفاوت این دو در انتخاب موضوع است. مقاله حاضر به بررسی نقش انسان منتظر در دوران غیبت از دیدگاه انجمن حجتیه و امام می‌پردازد.

۸. دهقانی فاریسانی (۱۳۹۳) در مقاله خود که با روش اسنادی صورت گرفته است، به دنبال بررسی تحولات صورت گرفته در خوانش از مفهوم «انتظار فرج» امام غایب در دوران غیبت کبرای امام دوازدهم (عج) در آثار روایی شیعی است. نویسنده در مقاله خود به سه دوره که این سه دوره به شکل تقریبی سه دوره شاخص تاریخی از حیات اجتماعی جامعه ایران را پوشانده است، پرداخته است. دوره نخست از نظر نویسندگان آل‌بویه را در بردارد. دوره دوم، یعنی سده‌های دهم و یازدهم قمری، دوره اقتدار حکومت صفوی در ایران است و سرانجام دوره معاصر که در این مقاله مقصود از دوره معاصر، دوره ابتدای نهضت مشروطه تا زمان حاضر است. در این دوره شاهد روی آوردن عالمان شیعه به حوزه سیاست و اثرگذاری در این حوزه هستیم. تفاوت این مقاله، با مقاله حاضر در انتخاب موضوع است. مقاله حاضر به بررسی نقش انسان منتظر در دوران غیبت از دیدگاه انجمن حجتیه و امام می‌پردازد.

۹. افتخاری (۱۳۸۹) در مقاله خود که به روش اسنادی صورت گرفته است سؤال خود را این‌گونه مطرح می‌کند: «غایت اصلی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی در ایران چیست؟» نویسنده می‌کوشد تا مستند به اندیشه و عمل امام برای این سؤال پاسخی درخور بیابد. از نظر نویسنده نگاه امام به انقلاب اسلامی به عنوان امانت الهی است که وظیفه همگان، حرکت در جهت تحویل این امانت به صاحب اصلی آن - امام عصر (عج) - است. تفاوت این مقاله، با مقاله حاضر در انتخاب موضوع است. مقاله حاضر به بررسی نقش انسان منتظر در دوران

غیبت از دیدگاه انجمن حجتیه و امام می‌پردازد.

نگاهی به تاریخچه انجمن

قوام عالم (و به‌طور خاص جامعه دینی) به بودن حجت خداست. تا حجت خدا در میان جمع باشد، فعل و گفتار او حجتی است برای خلق. با شروع غیبت حضرت صاحب (عج)، در میان مسلمانان و خصوصاً شیعیان، جریان‌های متفاوت با رویکردهای خاص خود در مورد اجرای احکام دینی به‌وجود آمد. از جمله این جریان‌ها می‌توان به جریان «انجمن خیریه حجتیه مهدویه» اشاره کرد. «این انجمن مقارن با کودتای امریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تأسیس شد. مؤسس این گروه آقای شیخ محمود ذاکرزاده تولایی است که به‌نام شیخ محمود حلبی شناخته شده بود» (باقی ۱۳۶۲: ۲۹). «حاج شیخ محمود حلبی یکی از واعظ سرشناس مشهد بود که بعد از شهریور ۱۳۲۰ سخنرانی‌هایش در مجامع مذهبی گل کرده بود در واقع واعظ درجه اول شناخته می‌شد» (متن گفتگو با احمدزاده ۱۳۸۷).

شیخ محمود حلبی شاگرد خاصی میرزا مهدی اصفهانی بود که پیرامون مقام علمی‌اش این‌گونه گفته‌اند: حلبی مدرس حکمت بود بر متون و مباحث فلسفی تسلطی کامل و آگاهانه داشت و در شرح و بسط مطالب حکمی زبردست و چیره و خبره بود ... آرای اعتقادی و دینی مرحوم حلبی متأثر از میرزا مهدی اصفهانی شکل گرفته و پس از چهار سال تلمذ نزد میرزا به مبلغ آرای وی بدل گشته بود. حلبی در ادامه سنت ضد فلسفی میرزا مهدی اصفهانی معتقد بود: در عصر امام رضا^(ع) و بعد از آن، حادثه‌ی عظیم‌تری از حادثه‌ی سقیفه بر اسلام وارد آمده که آن ترجمه فلسفه و انتشار آن در بین مسلمانان به دستور هارون الرشید بود. رسوخ فلسفه در اذهان مسلمانان سبب ایجاد وهن جمیع احادیث و معارف در نظرشان گشت (محمد دوست ۱۳۹۳: ۱۱).

«انجمن به تبعیت از آقای حلبی با فلسفه، عرفان و تصوف و اصولاً با هر معرفتی که مستقیماً به قرآن و سنت باز نگردد شدیداً مخالف بود و تمام فلسفه‌های جدید و نظریه‌های اجتماعی اخیر را یکسره باطل و بیهوده می‌دانست» (خسروپناه ۱۳۹۰: ۱۶۳). از این‌رو، این «جریان فکری آمیخته‌ای از «قشری‌گری»، «اخباری‌گری»، ضدیت با «فلسفه، عرفان و اجتهاد» بود» (شیرخانی ۱۳۹۲: ۶۴). «و با بر چسب‌هایی همچون حجتیه‌ای، حزب قاعدین، گروه عافیت

طلب، اسلام شاهنشاهی، اسلام عافیت طلب و ولایتی‌های بی‌ولایت شناخته می‌شدند» (عیسی نیا ۱۳۸۷: ۸۱).

بعد از قضایای سال ۱۳۳۴ حاج شیخ محمود حلبی به تشکیلات خود رسمیت داد و نهایتاً در سال ۱۳۳۶ آن را با نام انجمن حجتیه مطرح کرد... از سال ۱۳۳۶ به بعد، به‌نام انجمن حجتیه توسعه پیدا کرد و شعبی در همه مراکز استان‌ها تأسیس نمود (متن گفتگو با احمدزاده ۱۳۸۷).

در خصوص علت و هدف تشکیل انجمن نظرات مختلفی وجود دارد. برخی بر این عقیده‌اند که در سال‌های پیش از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که تبلیغات وسیعی برای انحراف افکار عمومی توسط بهائیت به‌ویژه علیه روحانیت و حوزه‌ها راه افتاد آقای حلبی که در حوزه مشهد درس می‌خواند و استاد وی میرزا مهدی اصفهانی بود - که علاقه خاصی به امام زمان (عج) داشته - به همراه طلبه دیگری به نام سید عباس علوی توسط یک مبلغ بهائی به بهائیت دعوت می‌شوند. این افراد چند ماهی از وقت خود را برای مطالعه صرف می‌کنند. امام سیدعباس علوی به خاطر زمینه‌های دنیوی و شهنوائی که احتمالاً بهائیت در اختیارش می‌گذارد می‌لغزد و بهائی می‌شود و به عنوان یکی از مبلغان بزرگ بهائیت کتاب‌هایی هم در اثبات آن می‌نویسد. آقای حلبی با مشاهده این مسئله، بهائیت را خطر بزرگی تشخیص می‌دهد و با برقراری تماس با افراد گول خورده از بهائیت، به جلسات تبلیغی آنان راه یافته، با آنان به مباحثه و مناظره می‌پردازد. سپس آقای حلبی به تهران آمده و جذب نیرو می‌کند و اطلاعات و تجربیات خود را منتقل می‌نماید. پس از یکسری موفقیت‌ها آقای حلبی و دوستانش مورد حمایت علما قرار گرفتند و علما اجازه استفاده سهم امام (ع) را نیز دادند (باقی ۱۳۶۲: ۳۰).

نظر دیگری که خود انجمنی‌ها هستند، معتقدند آقای حلبی رئیس انجمن مدعی شده که در سال‌های ۳۲ خواب دیده است که امام زمان به وی امر فرموده‌اند که گروهی را برای مبارزه با بهائیت تشکیل بدهد. نظری دیگری حاکی از آن است که پس از بروز اختلاف بین آیت‌الله کاشانی و مصدق و شکست نهضت ملی نفت، هم‌زمان تبلیغات بهائیت نضج گرفت و گروهی را که بینشان طلبه نیز بود از جمله هم‌جره‌های آقای حلبی را جذب کردند. لذا بهائیت در ذهن شیخ محمود حلبی بزرگ جلوه‌گر شد و به این

نتیجه رسید که باید سیاست را ول کرد و دست به انجام اقدامات فرهنگی زد. به علت شکست نهضت نوعی یأس و بریدگی خود را توجیه ایدئولوژیکی و سیاسی کنند، به این جریان پیوستند. گروهی دیگر برآنند که استعمار همواره یک قسمت از سیاست‌هایش فرقه‌سازی بوده و برای مطرح کردن، بالا کشیدن و رشد دادن آن فرقه دست به ایجاد یک ضد فرقه نیز می‌زده است و مسئله انجمن بهائیت و انجمن ضد بهائیت نیز مشمول این سیاست می‌باشد. ولی آنچه مسجل است و با جزم و قاطعیت می‌توان گفت این است که پیدایش و حرکت انجمن در جهت انحراف جامعه و مسلمانان از مسیر اصلی مبارزه و رو کردن به مسائل فرعی و حرکت بر ضد نهضت اصیل اسلامی بود و این سابقه‌ی عملکرد است که به بالتبع زمینه نظرات کذایی را پدید آورد (باقی ۱۳۶۲: ۳۱).

به طور کلی این گروه «به عنوان یک تشکل ضد بهائی شناخته شده که هدف اصلی خود را مبارزه علیه افکار انحرافی بهائیت معرفی نموده است» (نظریور ۱۳۹۱: ۵۷). اما آنچه قابل بیان است اینکه «انجمن در طول بیش از بیست و پنج سال نه تنها قادر به شکست بهائیت نشد بلکه خود عاملی برای رشد این فرقه‌ی استعماری گشت» (باقی ۱۳۶۲: ۱۹۴). نکته‌ی دیگر اینکه انجمنی‌ها «توانستند از بعضی از مراجع تقلید اجازه هزینه وجوهات شرعیه در برنامه‌های کلی خودشان را بگیرند که این به معنای تضمین پشتوانه‌ی مالی این حرکت بود... اینها [کم‌کم] توانستند در چشم بسیاری از علما و مراجع تقلید برای خودشان باز کرده بودند. همین قدر می‌پرسیدند آقا، اجازه می‌فرمایید در این مسیر مخارجی صرف بشود، ایشان هم می‌گفتند بله» (نورآبادی ۱۳۸۲: ۳۳). بنابراین رژیم وابسته در زمانی که همه گروه‌ها و دستجات را بعد از کودتا قلع و قمع می‌کرد، از شروع حرکت انجمن جهت مبارزه با بهائیت جلوگیری نمی‌کند (اخگری ۱۳۶۷: ۲۲). و انجمن کم‌کم توانست در تاریخ معاصر ایران از خود ردپایی بر جایی بگذارد.

اساسنامه انجمن

انجمن مذکور برای نظم یافتن بیشتر فعالیت خود، اساسنامه‌ای را به شرح ذیل تنظیم کرد:

مقدمه: به منظور فعالیت‌های علمی و آموزشی و خدمات مفید اجتماعی، با الهام از تعالیم عالیه اسلام و مذهب شیعه جعفری برای پرورش استعداد و تربیت انسان‌های لایق و کاردان و مقید به تقوی و ایمان و اصلاح جهات مادی و معنوی جامعه، مؤسسه‌ای به نام (انجمن خیریه

حجتیه مهدویه) به قصد صدور صد غیرانتفاعی به شرح زیر تأسیس می‌شود.

فصل یکم: اسم، موضوع، هدف، مرکز و مدت و دارایی

ماده اول: اسم مؤسسه (انجمن خیریه حجتیه مهدویه) است که این اساسنامه به اختصار انجمن نامیده می‌شود.

ماده دوم: موضوع و هدف: منظور از تشکیل انجمن، اجرای اموری است که ذیلاً شرح داده می‌شود:

تبلیغ دین اسلام و مذهب جعفری و دفاع علمی از آن با رعایت مقتضیات زمان به روش‌های مختلف زیر:

۱. تشکیل کنفرانس‌ها و سمینارهای علمی و دینی در نقاط مختلف کشور با رعایت مقررات عمومی؛

۲. چاپ و پخش جزوات و نشریه‌های علمی و دینی با رعایت قوانین مطبوعاتی کشور؛

۳. تأسیس کلاس‌های تعلیم و تدریس اخلاقی و معارف اسلامی با رعایت مقررات عمومی؛

۴. ایجاد کتابخانه و قرائت‌خانه و اماکن ورزشی با رعایت قوانین مربوطه؛

۵. انجام امور خیریه عمومی و مساعدت فرهنگی مؤسسات اسلامی و اخذ تماس با مجامع مشابه بین‌المللی با نظر مقامات ذی‌صلاحیت؛

۶. تدارک جلسات آموزشی به منظور تربیت افراد برای مناظرات و مباحثات علمی، ادبی و مذهبی در محافل اسلامی با رعایت مقررات؛

۷. تأسیس هر نوع مؤسسه فرهنگی نظیر دبستان، دبیرستان، مدارس عالییه و پرورشگاه با رعایت قوانین؛

۸. ایجاد هر نوع مراکز درمانی نظیر بیمارستان و درمانگاه با رعایت مقررات وزارت بهداشتی.

۹. تبصره:

تبصره ۱. موضوع و هدف انجمن، ثابت و تا زمان ظهور حضرت بقیة الله امام زمان «ارواحنا فدا» لایتغیر خواهد بود، اما برنامه‌های آن با توجه به شرایط زمان و نیاز جامعه، می‌تواند بر اساس حفظ هدف ملی و رعایت مقررات این اساسنامه تغییر و یا تعمیم شود.

تبصره ۲. انجمن به هیچ‌وجه در امور سیاسی مداخله نخواهد داشت و نیز مسئولیت هر

نوع دخالتی را که در زمینه‌های سیاسی از طرف افراد منتسب به انجمن صورت گیرد، بر عهده نخواهد داشت.

ماده ۳. مراکز انجمن در تهران است و صندوق پستی شماره... برای مکاتبات آن در اختیار می‌باشد. در صورت اقتضاء هیأت مؤسس می‌تواند با نظر مقامات ذی‌صلاحیت، نماینده گروه یا شعب انجمن را در تهران یا دیگر نقاط، اعم از داخل یا خارج کشور دایر نماید و افراد نیکوکار را به نمایندگی انجمن برای اجرای اهداف اساسنامه به خدمت دعوت کند (صدقی ۱۳۸۸: ۱۶۶).

مهم‌ترین موضع‌گیری‌های انجمن

مرجعیت به جای ولایت

انجمن همواره سعی می‌کرد با برجسته‌نشان دادن مرجعیت، رهبری انقلاب را تضعیف نماید. آنها تلاش کردند با محور دانستن مرجعیت آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله خویی، مرجعیت را در برابر ولی فقیه قرار دهند و بعد از انقلاب، مسئله بودن رهبر سیاسی واحد در کنار مرجعیت را مطرح کردند. انجمن به ولایت عامه مراجع در مقابل ولایت فقیه معتقد است؛ یعنی همه مجتهدان ولایت دارند و فقیه اعلم در میان آنان وظیفه‌اش نظارت بر جریان امور است (صدیقی ۱۳۸۸: ۱۵۸).

جدایی دین از سیاست

انجمن حجتیه در فصل یکم، ماده دوم، تبصره دوم اساسنامه انجمن تصویب کرد که انجمن به هیچ‌وجه در امور سیاسی مداخله نخواهد داشت و نیز مسئولیت هر نوع دخالتی را که در زمینه‌های سیاسی از طرف افراد انجمن صورت گیرد بر عهده نخواهد داشت.

مهدویت و انتظار

آنچه هدف این مقاله است و در ادامه به این مهم پرداخته می‌شود.

مخالفت با تشکیل حکومت اسلامی

انجمنی‌ها «اقدام به تشکیل حکومت اسلامی در دوران غیبت را به معنای قائل شدن اتمام رسالت برای امام زمان (عج) و برافراشتن پرچم خلاف و دجالی می‌پنداشتند و معتقد بودند که تشکیل حکومت اسلامی در غیاب حضرت حجت به شکست می‌انجامد» (باقی ۱۳۶۲: ۱۰۴). به

طور مثال، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و با طرح نظریه حکومت اسلامی از طرف حضرت امام انجمن «هر کس را که در مبارزه علیه رژیم اقدام می‌کرد، منکوب می‌کردند و او را خارج از دین قلمداد [می‌کرد] تا همگان امر برایشان مسلم شود که جهت ظهور امام زمان (عج) باید با حکام ستمگر ساخت و با رژیم سازش کرد تا ظهورش تأخیر نیافتد و هر که غیر از این عمل کند، خائن به ائمه علیهم‌السلام است (اخگری ۱۳۶۷: ۳۳)». «با پیروزی انقلاب اسلامی انجمن حجتیه که در حیرت پیروزی انقلاب اسلامی بود تضعیف شد، زیرا آنها اعتقادی به پیروزی انقلاب اسلامی نداشتند، لذا پنج شش ماه در حالت تردید بودند. انجمنی‌ها که تا واپسین روزهای پیروزی انقلاب می‌گفتند امام سیزدهم در پاریس نشسته و مردم را جلوی گلوله می‌فرستد در نیمه شعبان سال اول انقلاب عکس همه مراجع را زد و بعد از چند ماهی به تأییدات خود از رهبر انقلاب اشاراتی داشت و خود آقای حلبی از مضامینی چون عظیم‌الشان و رهبر کبیر برای امام خمینی استفاده کرد (باقی ۱۳۶۲: ۶۱).

وقتی انجمنی‌ها به موضع انفعال افتادند نیروهای تربیت شده در انجمن، پس از انقلاب به سه دسته تقسیم شدند:

۱. از دسته اول برخی مانند آقای پرورش، دکتر صادقی، استاد دانشکده الهیات مشهد، عبدالکریمی، استاد دانشگاه مشهد، مهندس مصحف و بسیاری دیگر به انقلاب پیوستند. در میان اینان، جوانانی نیز حضور داشتند که دست کم چند سالی انجمن را تجربه کرده و به صف انقلابیان پیوسته بودند. برخی نیز مانند آقای طیب که مسئولیت برگزاری مراسم سخنرانی‌ها را در تهران بر عهده داشت، نه تنها به انقلابیان پیوستند، بلکه به نوعی در برابر انجمن هم قرار گرفتند.

۲. دسته دوم در برابر انقلاب بی‌تفاوت ماندند.

۳. دسته سوم به انتقاد از انقلاب پرداخته و به صف مخالفان - از نوع دیندار - پیوستند (علیانسب ۱۳۸۶: ۲۸).

حضرت امام نیز در جلسه‌ای خطاب به آقای ناطق نوری و آقای پرورش وزرای کشور و آموزش و پرورش می‌فرمایند: «به آنها پست کلیدی ندهید، خطرناکند، وقتی آمدند بین شما تفرقه ایجاد می‌کنند، تشتت ایجاد می‌کنند، برادران را به جان هم می‌اندازند، آنها کار دیگری دارند، دنبال مسئله دیگری هستند، اینها با شاه همکاری می‌کردند، برایشان مسئله دین مطرح

نبوده است» (باقی ۱۳۶۲: ۲۴۰).

الف) انجمن حجتیه و انسان منتظر

ویژگی‌های انسان منتظر از دید انجمن

از دیدگاه انجمن حجتیه انسان منتظر انسانی مُحِبّ است. انسانی که در فراق و دوری حضرت صاحب^(عج) گریه و زاری می‌کند و در بدر به دنبال نشانه‌ای از حضرت می‌گردد. «در این گروه اعتقاد به حضرت حجت خلاصه شده است در محبت و ولایت (دوستی) امام عصر و به تبع آن صرفاً به بعد عبادی و نماز خواندن برای حضرت» (باقی ۱۳۶۲: ۱۲۷) است که توجه می‌شود. در رابطه با محبت شیخ محمود حلبی می‌گوید: «هیچ راه و ذکر و ورد و هیچ طلسم و اسمی بالاتر از محبت نیست. اقرب‌الطرق و نزدیک‌ترین راه برای رسیدن به درگاه شاه عالم امکان، محبت به آن بزرگوار است» (باقی اصفهانی ۱۳۷۹: ۲۵۹). همچنین می‌گوید: «محبت به امام زمان مستلزم محبت به آثار آن بزرگوار است» (باقی اصفهانی ۱۳۷۹: ۲۵۶). از نظر آقای حلبی از آثار محبت به امام زمان^(عج) می‌توان به این موارد اشاره کرد: «یکی اینکه وقتی تو [امام زمان^(عج)] را نمی‌بینم دل‌تنگ می‌شوم، دلم به خفقان و اضطراب می‌افتد. شاهد دوم تپش قلب من است. شاهد سوم رنگ زرد من است. شاهد چهارم اشک دیدگان من است. اینها نشانه‌ی محبت است» (باقی اصفهانی ۱۳۷۹: ۲۵۸). در ادامه می‌گوید: «اگر محب امام زمان باشی برای او اشک می‌ریزی و به دنبال او می‌گردی و از این سو و آن سو، از این عالم و آن متقی سراغ او را می‌گیری و راه رسیدن به او را جویا می‌شوی» (باقی اصفهانی ۱۳۷۹: ۲۵۹).

از جمله این راه‌های رسیدن به خدمت امام زمان^(عج) را می‌توان «نقل خواب‌ها و رؤیت امام زمان^(عج) از منابع قدیم و جدید دانست، و استناد به اینکه زید یا عمرو امام زمان^(عج) را دیده است با حضرت پانزده روز در بیت زید مسکن گزیدند در حالی که میزبان هم از شرف حضور حضرت مطلع بود» (باقی ۱۳۶۲: ۱۲۸). در این مورد و مثال‌هایی که محمود حلبی از دیدار افراد با امام زمان^(عج) می‌آورد می‌توان به کتاب *مجالس حضرت مهدی* نوشته محمد رضا باقی اصفهانی رجوع کرد.

از نظر انجمنی‌ها انسان منتظر انسانی صبور است که باید در مقابل ظلم برای لو نرفتن و پیشبرد کارهای خود تقیه را پیشه خود سازد. پس از دیگر ویژگی‌های انسان منتظر صبر و تقیه

است. «حزب قاعدین بر این باور است که صرفاً باید مهیا باشیم. نیرو پس انداز کنیم و حتی تظاهر به مخالفت با دشمن هم نکنیم و موافقت زبانی هم نکنیم و همیشه تا ظهور و قیام در سنگر تقیه و استتار و سکوت و عدم تظاهر به مخالفت با دشمن و در کمین گاه صبر به سر ببریم (باقی ۱۳۶۲: ۱۳۸). از دید انجمنی‌ها «صبر، کمین‌گاهی برای بسیج نیروها در نبرد سرنوشت‌ساز عصر ماست و شخص منتظر، در این سنگر، امکانات خویش را برای ظهور ذخیره می‌نماید و از همین پناه‌گاه، به دشمن شیخون می‌زند و با او جنگ پارتیزانی می‌کند. روشن است که لازمه‌ی پیروزی در چنین رزمی، غافل ماندن دشمن، مستور بودن سنگر و مخفی گشتن پیکارگر می‌باشد. بنا بر روایات ما، این منظور در سایه‌ی «تقیه» به دست می‌آید» (تاجری: ۱۳۵۸: ۱۱۸ و ۱۱۷). «آنها تقیه را از تعریف حاج میرزا محمدتقی اصفهانی استفاده می‌کنند. ایشان تقیه را چنین تعریف می‌کند: «معنی تقیه که واجب است این است که شخص مؤمن در جایی که اظهار حق کردن برای او خوف و ضرر عقلانی به جان و مال و آبروی او هست خود را نگه دارد و اظهار حق نکند، بلکه اگر ناچار شده به جهت حفظ جان یا مال یا آبروی خود به موافقت کردن با مخالفان به زبان، با آنها موافقت کند قلب او مخالف زبان او باشد» (علیا نسب ۱۳۸۶: ۸۱). شیوه‌ی جنگی تقیه، دست از تکاپو کشیدن و با بیگانگان هم دست گشتن نیست، بلکه پوشاندن تلاش‌ها و خام کردن دشمنان است (تاجری ۱۳۵۸: ۱۱۹). گاه حتی برای تقیه لازم است که مخالفت که بر زبان جاری نشود حتی موافقت زبانی هم بکند (باقی ۱۳۶۲: ۱۳۶). بنابراین از نظر انجمن «اگر مخالف ظاهری با فساد هم هستی ولی در باطن به ترویج ظلم و فساد برای تسریع ظهور باید رضایت داشت و برای قابل ایراد نبودن قضیه در کنارش هم مطرح می‌کردند که در قلبت می‌توانی آنها را نفرین کنی و پارسایی اختیار کنی اما بدان در عمل مبارزه بیهوده است چون حکومت اسلامی فقط در زمان امام زمان (عج) شکل پیدا می‌کند. بنابراین مبارزه موقوف و فقط خدمت به اسلام باید بکنیم و خدمت به اسلام از طریق مبارزه با بهائیت میسر است (اخگری ۱۳۶۷: ۳۹).

به تبع این نگرش و اعتقاد به تقیه، آنها مخالف هر نوع قیام در دوران غیبت‌اند چراکه، قیام ممکن است باعث تلف شدن نیروها گردد. از این رو انجمنی‌ها اعتقاد دارند که:

«در روزگار غیبت، ستیز و نبرد انسان منتظر، کمتر آشکار و رودررو است، زیرا که باید نیروها و سلاح‌ها و امکانات و تجهیزات را برای آن جنگ بزرگ نگه دارد. پس در کمین

دشمن می‌شنید و رزم تدافعی و پارتیزانی می‌کند تا به کمترین میزان، زیان ببندد و بیشترین آسیب و گزند را به خصم وارد آورد. این یک پیکار فرسایشی است. پس نیازمند استتار و اختفاء می‌باشد و از آن بالاتر به بردباری و شکیبایی نیاز دارد» (تاجری ۱۳۵۸: ۱۱۳).

این برداشت آنها از تقیه باعث شده بود که انجمن و در رأس آنها شیخ محمود حلبی «مخالفت علنی و شدید امام با شخص شاه و رژیم امریکایی او و مخالفت امام با امریکا و اسرائیل را و قیام امام در پانزده خرداد را به باد اعتراض و فحاشی می‌گیرد و تخطئه می‌کند و هر مبارزی را که دستش می‌رسید در دوران طاغوت به ساواک لو می‌داد و انقلاب اسلامی را ضلالت و فرجام آن را شکست و شهادت توده‌های امت مسلمان را ناشی از خریتشان می‌خواند» (باقی ۱۳۶۲: ۱۳۶). حتی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در جریان مبارزات جوانان و مردم ایران علیه حکومت وقت «نیروهای جوانی را که می‌توانستند در امر مبارزه مؤثر باشند نه تنها به جریان انحرافی می‌انداخت و از مسیر نهضت دور نگه می‌داشت بلکه در سخنرانی‌ها هم در منکوب کردن مبارزان اقدام می‌کرد. چنانچه حلبی در یکی از سخنرانی‌هایش گفت: چندی است تحریص می‌کنند ولی چه از آب درمی‌آورند؟ چریک. چی از آب در می‌آورند؟ مفسده خرابکار، موذی به اجتماع، مضر به نظام، تشویق می‌کنند اما جووری تشویق می‌کنند که آنی که به عمل آید، بر ضرر تمام می‌شود، چون طبق اسلام تشویق نمی‌کنند» (صدقی ۱۳۸۸: ۱۳۸).

خروجی این تفکر باعث مخالفت با هر گونه قیام و انقلاب بود. مشهور است که انجمنی‌ها با تمسک به دو روایت از معصومین مخالف مبارزه و قیام و تشکیل حکومت اسلامی در دوران غیبت هستند. روایت اول، روایت «رایت» (پرچم) است که معتقدند: «هر پرچمی که قبل از قیام قائم برپا داشته شود، صاحبش طاغوت است، غیر از خدای عزوجل پرستیده می‌شود» یا این روایت امام جعفر صادق^(ع) «هیچ‌یک از ما اهل بیت تا روز قیام قائم ما، برای جلوگیری از ستمی یا برای بپاداشتن حقی خروج نمی‌کند، مگر آنکه بلا و آفتی، او را از بیخ برکند و قیام او بر اندوه ما و شیعیان مان بیفزاید». «انجمن با اصرار بر اینکه هر کس قبل از قیام امام اقدامی جهت اصلاح کار نماید تأخیر در ظهور او ایجاد کرده است. همان عقیده معتقدان به تحولات تکامل تاریخ که جامع باید به حالت انفجار برسد و ظلم، فساد و تباهی به اوج خود برسد و حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد و جز باطل نیرویی حکومت نکند، را ترویج می‌کرد»

(اخگری ۱۳۶۷: ۳۴). از این رو از نظر انجمن «باید عالم از معصیت لبریز شود تا حضرت حجت ظهور کند و نیز باید امر به معروف و نهی از منکر نگردد تا گناه افزایش یابد؛ زیرا با افزایش گناه، فرج نزدیک می‌شود. از این رو، تحقق هر حکومتی در زمان غیبت، باطل و بر خلاف اسلام است» (عیسی نیا ۱۳۸۷: ۸۱).

با این نگاه بود که آنها موضعی علیه رژیم شاه نمی‌گرفتند و حتی اسناد ساواک حاکی از حمایت رژیم از این گروه بوده است. در عوض انجمن حرکت امام را محکوم می‌کرد تا جایی که در جریان اتفاقات ۱۵ خرداد سال ۴۲ که امام فرمودند ما عید نداریم. رهبر این گروه بر هر چه با شکوه‌تر برگزار کردن عید تأکید داشتند و در طی نطقی «امام را مسئول ریختن خون جوانان در ۱۵ خرداد دانست و با تعبیرهای تند حرکت اسلامی را محکوم نمود» (باقی ۱۳۶۲: ۴۲).

وظایف انسان منتظر

به طور کلی «انجمن، جهاد و مبارزه را در دوران غیبت حرام می‌دانست و به روایات و احادیثی از قبیل: «لایکون الجهاد الا مع امام عادل»: جهاد جز با امام عادل امان‌پذیر نیست، استناد می‌کردند. آنها بیان می‌کردند که زمینه برای مبارزه آماده نیست. از دلایل دیگر آنها استناد به آیهی «لَا تَلْقُوا بایدیکم اِلَى التَّهْلُکَةِ»: خودتان را با دستان خویش به هلاکت نیفکنید بود؛ چراکه مبارزه با مشیت و درفش کاری منطقی نیست» (شمس‌آبادی ۱۳۸۹: ۱۷۶). «انجمن در تمامی جزوات خود نه تنها از مبارزه با ستمکاران و تلاش و جدیت برای استقرار حکومت اسلامی مخصوصاً قبل از انقلاب سخنی به میان نیاورده بلکه به عافیت‌جویی و راحت‌طلبی در غالب صبر، غمگین بودن در مفارقت حضرت و گریستن از دوری او، دعا برای تعجیل فرج بدون هیچ‌گونه انجام عملی جهت آماده‌سازی شرایط ظهورش تأکید می‌کرده است (اخگری ۱۳۶۷: ۳۵).

با توجه به آنچه آمد انجمنی‌ها تمام مسئولیت‌ها و وظایف یک انسان مسلمان در عصر غیبت، را در موارد زیر می‌دانند:

- انتظار: وضع انتظار و ندیدن امام معصوم از بزرگ‌ترین مصیبت‌هاست؛
- تقلید از مجتهد جامع‌الشرايط؛
- غمگین بودن به جهت مفارقت آن حضرت؛

- دعا برای تعجیل فرج آن حضرت؛

- گریستن از دوری آن حضرت؛

- تسلیم و انقیاد داشته باشد که برای امر امام عجله نکند؛

- صدقه به قصد سلامت آن حضرت (باقی ۱۳۶۳: ۱۳۱).

به طور کلی از دید انجمن مکتب انتظار سه بعد دارد:

۱. خودسازی، در این زمینه باید دید چه خصائل و فضایلی برای یاوران امام زمان (عج)

برشمرده‌اند، آنگاه کوشید تا آنها را در خود ایجاد کند (تاجری ۱۳۵۸: ۹۱).

۲. دیگرسازی: هر قلب فروزان، هزاران قلب دیگر را شعله‌ور می‌سازد تا این رسالت انسانی

سینه به سینه در تاریخ پیش رود و سرانجام به روزگار ظهور بپیوندد (تاجری: ۱۳۵۸،

۹۷).

۳. فراهم سازی.

بعد دیگر آمادگی، تهیهی ابزار و آلات مورد نیاز چنان قیام شکوهمندی است (تاجری ۱۳۵۸:

۹۷).

فراهم سازی، یعنی نیرو و امکانت خود را بالقوه نگه دارد و آماده باشد تا فرمان فرمانده کل قوا،

یعنی امام عصر (عج) صادر شود. نه اینکه با این امکانات و تجهیزات در عصر غیبت با ستمکاران و

مفسدان ستیزه کنند (باقی ۱۳۶۲: ۱۳۱). بنابراین انتظار معنی اش شد سکوت و عدم تلاش در

راه برقراری حکومت اسلامی (اخگری ۱۳۶۷: ۴۰).

نشانه‌های ظهور از دید انجمن

از نظر انجمنی‌ها از علائم و نشانه‌های فرج موارد زیر است:

- در اثر شیوع گناه و فحشا مردم بدترین خلق خدا در روی زمین می‌شوند و خداوند آنها

را به سه بلا دچار می‌کند: الف) جور سلطان، ب) قحطی زمان، ج) ستم حکام.

- مردم از هم بیزار و همدیگر را مورد لعن قرار داده به روی هم آب دهان می‌اندازند و

شهادت به کفر یکدیگر می‌دهند.

- گرانی، قحطی، زلزله‌های پیاپی، قتل و غارت، شیوع گناه و فساد و ... (باقی ۱۳۶۲: ۱۳۹).

خلاصه و کلاسه تفکر انجمن این است که انقلاب امام قائم به دو چیز بستگی دارد: ۱.

زمینه‌های منفی موجود در جامعه مثل تبه‌کاری‌ها و ستمگری‌ها؛ ۲. ایمان و اعتقاد مردم به اسلام. و باید این دو عامل را تقویت کرد. و ضمن ترویج زمینه‌های منفی، اسلام را به توده‌ها شناساند (باقی ۱۳۶۲: ۱۳۰).

انجمن مدعی بود که در انجام اصلاح محیط و برآوردن گمراهان فعال است و منظورشان از اصلاح محیط، پاک کردن جامعه از بهائیت و منظور از به راه آوردن گمراهان افراد بهائی بود (اخگری ۱۳۶۷: ۴۱).

تعطیلی انجمن

انجمن حجتیه پس از گذراندن مراحل مختلف، سرانجام در مرداد سال ۶۲ پس از اشاره به بیانات امام درباره‌ی عملکرد مغایر با اهداف نظام جمهوری اسلامی به ظاهر، تعطیلی فعالیت‌های خود را با انتشار بیانیه زیر اعلام می‌دارد:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

اعضای محترم انجمن حجتیه مهدویه، خدمتگزاران آستان مقدس حضرت بقیه‌الله الاعظم ارواحنا لتراب مقدمه‌الفداه

با ابلاغ سلام و تقدیم مراتب مودت به اطلاع می‌رساند: روز سه‌شنبه ۲۱ تیرماه جاری (عید سعید فطر) رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی حضرت نایب‌الامام آیت‌الله العظمی امام خمینی در بخشی از بیانات مبسوطه خویش فرمودند: «یک دسته دیگر هم که تزشان این است که بگذارید که معصیت زیاد بشود تا حضرت صاحب بیاید. حضرت صاحب مگر برای چی می‌آید؟ حضرت صاحب می‌آید معصیت را بردارد، ما معصیت کنیم که او بیاید؟ این اعوجاجات را بردارید. این دسته‌بندی‌ها را برای خاطر خدا اگر مسلمید و برای خاطر کشورتان اگر ملی هستید، این دسته‌بندی‌ها را بردارید... در این موج خودتان را وارد کنید، و برخلاف این موج حرکت نکنید که دست و پایتان خواهد شکست» (امام خمینی ۱۳۷۸ج ۱۷: ۵۳۴). در پی این فرمایش، شایع شد که طرف خطاب و امر مبارک این انجمن است اگرچه به هیچ‌وجه افراد انجمن را مصداق مقدمه بیان فوق نیافته و نمی‌یابیم و در ایام گذشته به‌ویژه از زمانی که حضرت ایشان با صدور اجازه مصرف انجمن از سهم امام^(ع) این خدمات دینی و فرهنگی را تأیید فرموده بودند،

هیچ دلیل روشن و شاهد مسلمی که دلالت بر صراحت معظم‌له، به تعطیل انجمن نماید در دست نبود مع‌ذلک در مقام استفسار برآمدیم. البته تماس مستقیم میسر نبود. لیکن برای تحقیق از مجاری ممکنه و شخصیت‌های محترمه موثقه و بنا به قراین کافیه محرز شد که مخاطب امام «معظم‌له» این انجمن می‌باشد؛ لذا موضوع توسط مسئولان انجمن به عرض مؤسسه معظم و استاد مکرم حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حلبی (دامت برکاته) رسید و فرمودند: «در چنین حالتی وظیفه شرعی در ادامه فعالیت نیست. کلیه جلسه‌ها و برنامه‌ها باید تعطیل شود.» علی‌هذا همان‌گونه که بارها کتباً و شفاهاً تصریح کرده بودیم بر اساس عقیده دینی و تکلیف شرعی خود، تبعیت از مقام معظم رهبری و مرجعیت، حفظ وحدت و یکپارچگی امت و رعایت مصالح عالییه مملکت و ممانعت از سوء استفاده دستگاه‌های تبلیغاتی بیگانه و دفع غرض‌ورزی دشمنان اسلام را برای ادامه خدمات و فعالیت مقدم دانسته، اعلام می‌داریم که از این تاریخ تمامی جلسات و خدمات انجمن تعطیل می‌باشد و هیچ‌یک مجاز نیست تحت عنوان این انجمن کوچک‌ترین فعالیت‌هایی بکنند و اظهار نظر یا عملی مغایر تعطیلی نمایند که یقیناً در پیشگاه خدای متعال و امام زمان «سلام‌الله‌علیه» مسئول خواهد بود. با این امید که تلاش‌ها و کوشش‌های صادقانه انجمن در سی ساله اخیر مقبول ساحت قدس الهی و مرضی خاطر مقدس حضرت بقیه‌الله الاعظم ارواحنا فداه قرار گرفته باشد.

از خدای متعال عزت و سربلندی مسلمانان به‌ویژه شیعیان اثنی عشری و ذلت و سرافکندگی کافران و منافقان و طول عمر امام امت و پیروزی رزمندگان اسلام را خواستاریم.

انجمن خیریه حج‌تیه مهدویه

دوازدهم شوال ۱۴۰۳، پنجم مردادماه ۱۳۶۲. (باقی ۱۳۶۲: ۶-۵)

دو هفته‌نامه‌ی علمی-فرهنگی خط به نقل از کتاب در سایه آفتاب خاطره‌ای از حجت الاسلام رحیمیان از اعضا امین دفتر حضرت امام نقل می‌کند که گویای نظر امام در مورد این بیانیه‌ی انجمن است

ایشان در کتاب خاطرات خود می‌گوید:

در اوایل مرداد ماه ۱۳۶۲ بعد از سخنرانی حضرت امام که در آن، بدون ذکر نام، انجمن

حجتیه را مورد حمله قرار دادند، مضمون نامه‌ای که از سوی این تشکیلات فرستاده شده بود، مبنی بر اعلام تعطیل فعالیت‌ها و جلسه‌هایشان، به عرض حضرت امام رسید. قبل از قرائت متن، به عرض رسید که اعلام انحلال کرده است. وقتی متن قرائت شد که در آن تعبیر «تعطیل» به کار رفته بود، با تبسم فرمودند: «تعطیل، غیر از انحلال است. این که فایده ندارد. اگر فکر می‌کنند منظور، آنها هستند، این کار اثری ندارد. آنها که فاسد هستند کار خودشان را می‌کنند و آنها که سالم بوده‌اند قبلاً هم... (رحیمیان ۱۳۷۱: ۲۲۹).

شاید انجمن حجتیه به عنوان یک گروه تشکیلاتی که زمانی از طرف دستگاه حاکم به رسمیت شناخته می‌شد و دارای دم و دستگاهی برای خود بوده است وجود نداشته باشد اما به عنوان یک جریان فکری همچنان زنده و فعال است.

ب) امام خمینی و انسان منتظر انواع برداشت از انتظار فرج

امام در یک تقسیم‌بندی به نقد انواع برداشت‌های رایج از انتظار فرج پرداخته‌اند. از نظر ایشان: بعضیها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، در حسینیه، در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان - سلام الله علیه - را از خدا بخواهند ... یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به اینکه در جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد، بر ملت ما چه می‌گذرد؛ به این چیزها ما کار نداشته باشیم، ما تکلیف‌های خودمان را عمل می‌کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاء الله، درست می‌کنند؛ دیگر ما تکلیفی نداریم. تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آنچه در دنیا می‌گذرد یا در مملکت خودمان می‌گذرد، نداشته باشیم. یک دسته‌ای می‌گفتند که خوب، باید عالم پر از [معصیت بشود تا حضرت بیاید؛ ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می‌خواهند بکنند؛ گناه‌ها زیاد بشود که فرج نزدیک بشود. یک دسته‌ای از این بالاتر بودند، می‌گفتند: باید دامن‌زد به گناه‌ها، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از جور و ظلم بشود و حضرت - سلام الله علیه - تشریف بیاورند... یک دسته دیگری بودند

که می‌گفتند که هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و بر خلاف اسلام است. آنها مغرور بودند. آنهایی که بازیگر نبودند، مغرور بودند به بعض روایاتی که وارد شده است بر این امر که هر علمی بلند بشود قبل از ظهور حضرت، آن علم، باطل است. آنها خیال کرده بودند که نه، هر حکومتی باشد، در صورتی که آن روایات [اشاره دارد] که هر کس علم بلند کند با علم مهدی، به عنوان «مهدویت» بلند کند، [باطل است.] (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۱۴-۱۳)

معنای انتظار فرج از نظر حضرت امام

در قاموس فکری حضرت امام، انتظار فرج انتظار قدرت اسلام است و می‌فرمایند:

ما همه انتظار فرج داریم، و باید در این انتظار خدمت بکنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است، و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند، و مقدمات ظهور آن شاء الله تهیه بشود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۳۷۴)

و اگر نظر شماها مثل نظر بعض عامیهای منحرف، آن است که برای ظهور آن بزرگوار باید کوشش در تحقق کفر و ظلم کرد تا عالم را ظلم فراگیرد و مقدمات ظهور فراهم شود، فانّا لله و إنّنا إلیه راجعون. (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۴۴۷).

امام این تفکر که باید نشست تا امام ظهور کند یا اینکه باید کوشش در تحقق ظلم کرد را منطق افرادی می‌دانند که می‌خواهند از زیر بار شانه خالی کنند. اما از نظر حضرت امام حقیقت این است که:

ما تکلیف داریم آقا! این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان - سلام الله علیه - هستیم پس دیگر بنشینیم تو خانه‌هایمان، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم «عَجَلْ عَلٰی فَرَجِهِ». عَجَل، با کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او. و فراهم کردن اینکه مسلمین را با هم مجتمع کنید. همه با هم بشوید. ان شاء الله ظهور می‌کند ایشان. (امام خمینی ج ۱۸: ۲۶۹)

از این رو هشدار را می‌دهند که:

منطق حاکم خمین را نداشته باشید که می‌گفت: باید معاصی را رواج داد تا امام زمان (عج) بیاید! اگر معصیت رواج پیدا نکند، حضرت ظهور نمی‌کند! اینجا ننشینید فقط مباحثه

کنید؛ بلکه در سایر احکام اسلام مطالعه کنید؛ حقایق را نشر دهید؛ جزوه بنویسید و منتشر کنید. (امام خمینی ۱۳۷۹: ۶۹)

قیام برای برپایی حکومت عدل

امام برای انسان منتظر مهم‌ترین موعظه خداوند که قیام در راه خداست را یادآور می‌شوند و می‌فرمایند:

خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: فقط یک موعظه - همه موعظه‌ها را حالا. یک موعظه - من دارم. پیغمبر اکرم واسطه، خدا واعظ، ملت مُتَعِظ. من فقط یک موعظه - بیشتر از یک موعظه ندارم. إِنَّمَا أَعْظَلُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ إِنَّكَ لِلَّهِ قِيَامٌ كُنَيْدٌ؛ وقتی که دیدید که دین خدا در معرض خطر است، برای خدا قیام کنید. (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۱۰)

و از این آیه است که نظری نیز به دوران ظهور دارند و می‌فرمایند:

شاید این وصفی که برای حضرت صاحب - سلام الله علیه - ذکر شده است دنبال همین آیه شریفه که می‌فرماید: قُلْ إِنَّمَا أَعْظَلُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَنَى وَفَرَادَى دُنْبَالِ هَمِينِ معنا باشد که همه باید قیام بکنیم، قیام واحد؛ که بالاترین قیام همان قیام آن شخص واحد است و همه قیامها باید دنبال آن قیام باشد؛ و قیام لله باشد... (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۸)

البته آن حضرت قیام لله می‌فرمایند؛ و آن للهی که و آن خلوصی که برای ایشان هست، برای دیگران نیست لکن شیعه‌های بزرگوار آن حضرت هم باید پیروی از او بکنند در اینکه قیام کنند «لله»، برای خدا. (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۸)

و اصل قیام در مقابل جور را، اصل دعوت پیامبران می‌دانند و می‌فرمایند:

در طبیعت قیام انبیا - قیام مسلحانه یا غیر مسلحانه - در مقابل همه کسانی که به جور داشتند مردم را از بین می‌بردند باشد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۳-۴).

و حرکت حضرت صاحب^(عج) را نیز ادامه دهنده حرکت پیامبران و مقابله با طاغوت می‌دانند لذا مسلمین نیز در دوران غیبت باید این مقابله با ظلم را سرلوحه و هدف خود قرار دهند:

حضرت صاحب - سلام الله علیه - و ارواحنا فداه - هم که تشریف می‌آورند برای همین معناست. تمام انبیا که قیام کرده‌اند در عالم طبیعت - حالا معانی‌شان که، معارف

غیبیه‌شان را خدا می‌داند ما نمی‌دانیم، اما در عالم طبیعت - وقتی زندگی اینها را می‌بینیم از اول مقابله با طاغوت بوده است. بنابر این معنا بوده و این باید سرمشق بشود از برای مسلمانها، کسانی که واقعاً مسلمان هستند و واقعاً علاقه‌مند به اهل بیت عصمت هستند و به پیغمبر اسلام هستند و از هر مذهبی که هستند، علاقه‌مند به آن مذهبشان هستند، باید ببینند که صاحب مذهب چه کرده است؛ موسی بن عمران چه کرد، در زندگی‌اش چه کرد، حضرت ابراهیم در زندگی‌اش چه کرد، تمام اینها قیام کردند در مقابل جور، در مقابل ظلم، همه، قیامشان این معنا بود. ما سرمشق باید بگیریم از اینها و ما باید قیام کنیم در مقابل ظلم؛ مسلمانها باید در مقابل جورها، در مقابل ظلمها، در مقابل منکرات قیام کنند. (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۳)

قیام همه انبیاء برای برپایی عدالت بوده است، پس امام عصر نیز که ادامه دهنده راه پیامبر است برای اجرای عدالت قیام خواهند کرد:

زندگی سیدالشهدا، زندگی حضرت صاحب - سلام الله علیه - زندگی همه انبیای عالم، همه انبیاء از اول، از آدم تا حالا همه‌شان این معنا بوده است که در مقابل جور، حکومت عدل را می‌خواستند درست کنند. (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۴)

اما نکته این بود که هیچ یک از انبیاء نتوانستند که حکومت عدل را پیاده کنند و تمامیت عدل در دوران حضرت صاحب است که تحقق می‌یابد:

هر یک از انبیاء که آمدند، برای اجرای عدالت آمدند و مقصدشان هم این بود که اجرای عدالت را در همه عالم بکنند لکن موفق نشدند، حتی رسول ختمی - صلی الله علیه و آله و سلم - که برای اصلاح بشر آمده بود و برای اجرای عدالت آمده بود و برای تربیت بشر آمده بود، باز در زمان خودشان موفق نشدند به این معنا، و آن کسی که به این معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد، نه آن هم این عدالتی که مردم عادی می‌فهمند... بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت. انسان اگر هر انحرافی پیدا کند، انحراف عملی، انحراف روحی، انحراف عقلی، برگرداندن این انحرافات را به معنای خودش این ایجاد عدالت است در انسان ... و فقط برای حضرت مهدی موعود بوده است که تمام عالم را، عدالت را در تمام عالم گسترش بدهد. (امام خمینی ج ۱۲: ۴۸۱-۴۸۰)

اما این حرف که امام زمان باید بیاید و دنیا را پر از عدل کند از نظر حضرت امام نباید مانع

حرکت و قیام افراد در زمان غیبت شود، و لذا می‌فرمایند:

ما اگر دستمان می‌رسید، قدرت داشتیم، باید برویم تمام ظلم و جورها را از عالم برداریم. تکلیف شرعی ماست، منتها ما نمی‌توانیم. اینی که هست این است که حضرت عالم را پر می‌کند از عدالت؛ نه شما دست بردارید از تکلیفتان، نه اینکه شما دیگر تکلیف ندارید..... البته آن پر کردن دنیا را از عدالت، آن را ما نمی‌توانیم [پر] بکنیم. اگر می‌توانستیم، می‌کردیم، اما چون نمی‌توانیم بکنیم ایشان باید بیایند. الآن عالم پر از ظلم است. شما یک نقطه هستید در عالم. عالم پر از ظلم است. ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم؛ تکلیفمان است. ضرورت اسلام و قرآن [است]، تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم. اما نمی‌توانیم بکنیم؛ چون نمی‌توانیم بکنیم، باید او بیاید تا بکند. اما ما باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت - سلام الله علیه - .
(امام خمینی ج ۲۱: ۱۵-۱۷)

تشکیل حکومت عدل زمینه‌ای برای ظهور

از نظر امام: «اسلام دین افراد مجاهدی است که به دنبال حق و عدالتند» (خمینی ۱۳۷۹: ۱۰). و این عدالت جز در سایه حکومت اسلامی تحقق نمی‌یابد از این رو تشکیل حکومت عدل را از مقدمات ظهور می‌دانند: لزوم حکومت به منظور بسط عدالت... از بدیهی‌ترین امور است، بی‌آنکه بین زمان حضور و غیبت امام و این کشور و آن کشور فرقی باشد (ر.ک. به: امام خمینی ۱۳۷۴: ۲۴).

لذا در پیامی به انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا می‌فرمایند:

سرلوحه هدفان اسلام و احکام عدالت پرور آن باشد؛ و ناچار بدون حکومت اسلامی عدالت‌خواه، رسیدن به این هدف محال است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۳۲۲).

و می‌فرمایند:

اعتقاد به ضرورت تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره جزئی از ولایت است؛ چنانکه مبارزه و کوشش برای آن از اعتقاد به ولایت است... ما که به ولایت معتقدیم، و اینکه رسول اکرم (ص) تعیین خلیفه کرده و خدا او را واداشته تا تعیین خلیفه کند و

«ولی امر» مسلمانان را تعیین کند، باید به ضرورت تشکیل حکومت معتقد باشیم؛ و باید کوشش کنیم که دستگاه اجرای احکام و اداره امور برقرار شود. مبارزه در راه تشکیل حکومت اسلامی لازمه اعتقاد به ولایت است. (امام خمینی ۱۳۷۹: ۲۱).

از نظر امام همان دلایلی که لزوم امامت را پس از نبوت اثبات می کند، عیناً لزوم حکومت در دوران غیبت حضرت ولی عصر^(عج) را در بردارد (ر.ک. به: امام خمینی ۱۳۷۴: ۲۳).

مع الأسف به قدری به گوش ما خواندند، به قدری به گوش ملت ما خواندند، به گوش ملت‌های ضعیف خواندند که حکومت به شما چه کار دارد، شما برو نمازت را بخوان، شما مسجدت را برو، همین! البته، ما اگر فقط مسجد برویم و دعا بکنیم و بعد هم دعا به - عرض بکنم که - آن بزرگان چه بکنیم، همه با ما خوب می‌شوند! اما وظیفه این است که ما برویم مسجد بنشینیم دعا بخوانیم یا وظیفه این است که ما باید قیام بکنیم؟ وظیفه این است که ما همه باید همه چیز خودمان را در راه اسلام فدا بکنیم، چنانچه اولیای ما این کار را کردند. (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۴)

از این رو، این اندیشه را که هر پرچم در زمان غیبت علم شود، پرچم طاغوت است را ساخته دست استعمار برای چپاول مسلمین می‌داند و می‌فرماید:

اینهایی که می‌گویند که هر علمی بلند بشود و هر حکومتی، خیال کردند که هر حکومتی باشد این برخلاف انتظار فرج است. اینها نمی‌فهمند چی دارند می‌گویند. اینها تزییق کرده‌اند بهشان که این حرفها را بزنند. نمی‌دانند دارند چی چی می‌گویند. حکومت نبودن، یعنی اینکه همه مردم به جان هم بریزند، بکشند هم راه، بزنند هم راه، از بین ببرند، برخلاف نص آیات الهی رفتار بکنند. ما اگر فرض می‌کردیم دویست تا روایت هم در این باب داشتند، همه را به دیوار می‌زدیم؛ برای اینکه خلاف آیات قرآن است. (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۱۶)

برای روشن شدن مطلب این سؤال را مطرح می‌کنم: از غیبت صغرا تاکنون که بیش از هزار سال می‌گذرد و ممکن است صد هزار سال دیگر بگذرد و مصلحت اقتضا نکند که حضرت تشریف بیاورد، در طول این مدت مدید احکام اسلام باید زمین بماند و اجرا نشود، و هر که هرکاری خواست بکند؟ هرج و مرج است؟ قوانینی که پیغمبر اسلام در راه بیان و تبلیغ و نشر و اجرای آن ۲۳ سال زحمت طاقتفرسا کشید فقط برای مدت

محدودی بود! آیا خدا اجرای احکامش را محدود کرد به دویست سال؟ و پس از غیبت صغرا اسلام دیگر همه چیزش را رها کرده است؟ هر کی اظهار کند که تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد، منکر ضرورت اجرای احکام اسلام شده، و جامعیت احکام و جاودانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است. (امام خمینی ۱۳۷۹: ۲۸-۲۷)

لکن آن خاصیت حکومتی را که از صدر اسلام تا زمان حضرت صاحب (ع) موجود بود برای بعد از غیبت هم قرار داده است. این خاصیت که عبارت از علم به قانون و عدالت باشد. (امام خمینی ۱۳۷۹: ۵۰)

پس از دیدگاه امام:

حکومت حق برای نفع مستضعفان و جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی، همان است که مثل سلیمان بن داود و پیامبر عظیم الشان اسلام - صلی الله علیه و آله - و اوصیای بزرگوارش برای آن کوشش می کردند؛ از بزرگترین واجبات و اقامه آن از والاترین عبادات است. (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۲۰۷)

لذا، بنا به تشخیص عقل و راهنمایی نقل، تداوم حکومت و ولایت اسلامی در دوران غیبت امام عصر (ع)، امری ضروری است (ر.ک. به: امام خمینی ۱۳۷۴: ۲۹).

از اینجا معلوم می شود که از نظر امام از اهداف انسان منتظر تشکیل حکومت اسلامی برای اقامه عدل در دوران غیبت است و این حکومت جز در سایه ی قیام و مبارزه به دست نمی آید؛ چرا که در قاموس فکری امام: «عزت و حیات در سایه مبارزه است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۸۲). از این رو می فرمایند: بر تمام مسلمان و پیشاپیش آنان بر علمای روحانی و طلاب حوزه های علمیه اسلامی واجب است که علیه سمپاشی های دشمنان اسلام، به هر وسیله ممکن، قیام کنند تا اینکه بر همگان آشکار شود که اسلام برای اقامه حکومتی عدل گستر آمده است (ر.ک. به: امام خمینی ۱۳۷۴: ۲۰).

انقلاب اسلامی زمینه ساز ظهور

از نظر امام:

انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهانی اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش

را در عصر حاضر قرار دهد. (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۳۲۷)

و می‌فرمایند:

امیدوارم که این انقلاب یک انقلاب جهانی بشود، و مقدمه برای ظهور بقیه الله - ارواحنا له الفداء - باشد. (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۶: ۱۳۱)

امید است که این انقلاب جرقه و بارقه‌ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیه الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - منتهی شود. (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۶۲)

اما آنچه می‌تواند انقلاب اسلامی را به سرمقصد اصلی برساند همان انگیزه پیدایش آن است: بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است؛ و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسلهای آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن: انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی؛ و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۴۰۴).

من با تأیید خداوند متعال و تمسک به مکتب پر افتخار قرآن، به شما فرزندان عزیز اسلام مژده پیروزی نهایی می‌دهم؛ به شرط اینکه نهضت بزرگ اسلامی و ملی ادامه یابد و پیوند بین شما جوانان برومند اسلام ناگسستنی باشد؛ و به شرط آگاهی از حیل‌های استعمارگران راست و چپ و جنود ابلیسی آنان... (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۴۸۳)

و یکی از کارهای تداوم انقلاب اسلامی صدور آن است که حضرت امام می‌فرمایند:

ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت، صدور انقلاب راستین و بیان احکام محمدی - صلی الله علیه و آله است -، به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی مصلح کل و امامت مطلق حق امام زمان - ارواحنا فداء - هموار می‌کنیم. (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۰: ۳۴۵)

صدور یعنی اینکه این انقلاب اسلامی به عنوان الگویی برای زیست در دوران غیبت همه گیر و جهانی شود. و به عنوان الگویی برای بشریت در آید تا به حضرت صاحب (عج) برسد.

من امیدوارم که این کشور با همین قدرت که تا اینجا آمده است و با همین تعهد و با همین بیداری، که از اول قیام کرده است و تا اینجا رسانده است، باقی باشد. این نهضت

و این انقلاب و قیام، تا صاحب اصلی آن شاء الله، بیاید و ما و شما و ملت ما امانت را به او تسلیم کند. (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۵: ۳۸۵)

امیدوارم که ان شاء الله تعالی، به برکت آن آستان مقدس، جمهوری اسلامی همان طوری که تاکنون پیروزمندانه پیش رفته است، از این به بعد هم پیش برود و این جمهوری اسلامی باقی باشد با اسلامیت خود تا وقتی که، زمانی که به حضور بقیة الله این جمهوری مشرف شود و مسائل را در خدمت ایشان حل کند. (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۶: ۳۸۷).

نتیجه‌گیری

آنچه در این مقاله آمد بررسی دیدگاه انجمن حجتیه و حضرت امام در مورد وظایف انسان منتظر در دوران غیبت حضرت صاحب زمان (عج) است. در این نوشتار مشخص شد که دو دیدگاه انجمن حجتیه و امام از دو وجه کاملاً متفاوت به مقوله غیبت و انتظار است، انسان منتظر از دیدگاه انجمن حجتیه همان گونه که پیش تر آمد، نه تنها تشکیل حکومت در دوران غیبت را نفی می‌کند بلکه برای پیشبرد کارهای خود اعتقاد به موافقت زبانی با حکومت جور نیز دارند. علاوه بر این، فعالیت خود را در قالب تقیه پیش می‌برند. صبر انسان منتظر نیز از دیگر ویژگی‌هایی انجمن حجتیه به انسان منتظر بود که در این مقاله به آن پرداخته شد. حال آنکه نگاه حضرت امام نگاهی کاملاً متفاوت و متضاد با این دیدگاه است. مهم‌ترین هدف انسان منتظر از دیدگاه امام تشکیل حکومت عدل در دوران غیبت است. چرا که از نظر ایشان با تشکیل حکومت عدل است که می‌توان زمینه ظهور حضرت را فراهم آورد. تشکیل حکومت نیز چیزی نیست که یک شبه نصیب شود بلکه در سایه قیام و مبارزه و نفی حکومت ظلم و جور است که می‌توان به این مهم دست یافت. از دیگر ویژگی‌های انسان منتظر تلاش برای تداوم و صدور حکومت عدل است. اینکه حکومت عدل باید تبدیل به الگویی برای انسان منتظر شود.

به طور کلی و خلاصه می‌توان در قالب جدولی به این تفاوت پرداخت:

مقایسه انسان منتظر از نگاه حضرت امام و انجمن حجتیه

حضرت امام خمینی	انجمن حجتیه
اعتقاد به ولایت فقیه	مرجعیت به جای ولایت
قیام در برابر حکام جور	انجام فعالیت در قالب تقیه
انجام قیام للهی	گریه و زاری از دوری آن حضرت
تلاش برای گسترش عدل	دعا برای تعجیل فرج آن حضرت
تشکیل حکومت اسلامی (حکومت عدل)	مخالفت با تشکیل حکومت اسلامی
تلاش برای تداوم و صدور حکومت اسلامی	نگه داشتن نیروی خود برای ظهور
نفی حکومت جور با قیام و مبارزه	سازش و موافقت زبانی با حکومت جور برای پیش‌برد اهداف خود

منابع

- اخگری، محمدرضا. (۱۳۶۷) ولایتی‌های بی‌ولایت، بی‌جا، چاپ پرچم، چاپ اول.
- احمدزاده، طاهر. (۱۳۸۷) «انجمن حجتیه در بستر زمان»، چشم‌انداز/ایران، شماره ۲، گفتگو با طاهر احمدزاده.
- افتخاری، اصغر؛ نوروی، محمد؛ محمد مهدی ذوالفقارزاده. (۱۳۸۹) «نظریه امانت امام خمینی و چشم‌انداز انقلاب اسلامی در پرتو اندیشه مهدویت»، فصلنامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، سال چهارم، شماره ۱۵.
- باقی اصفهانی، محمدرضا. (۱۳۷۹) مجالس حضرت مهدی (عج)، قم: انتشارات نصاب، چاپ دوم.
- باقی، عمادالدین. (۱۳۶۲) در شناخت حزب قاعدین زمان (موسوم به انجمن حجتیه)، تهران: نشر دانش اسلامی، چاپ سوم.
- تاجری، حسین. (۱۳۵۸) انتظار بذر انقلاب، بی‌جا: نشر کوکب.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۹) ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دهم.
- (۱۳۷۴) شئون و اختیارات ولی فقیه، ترجمه مبحث ولایت فقیه از «کتاب‌البیع»، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ دهم.
- (۱۳۸۵) صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
- خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۹۰) «جریان‌شناسی (۱) آشنایی با انجمن حجتیه»، پیام، شماره ۱۰۵، صص ۱۸۳-۱۶۰.
- دهقانی فارسانی؛ یونس و سید کاظم طباطبایی و حسن نقی‌زاده و مهدی جلالی (۱۳۹۳) «بررسی تحولات در خوانش از مفهوم «انتظار فرج» در دوران غیبت کبری»، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، سال هفتم، شماره دوم، صص ۱۱۶-۹۱.
- رحیمیان، محمد حسین. (۱۳۷۱) در سایه آفتاب، مؤسسه پایدار اسلام، چاپ سوم، ص ۲۲۹. به نقل از دوهفته نامه علمی فرهنگی خط، شماره پنج، ۱۳۹۱، ص ۷۵.
- رضایی، محمد مهدی. (۱۳۹۲) «انجمن حجتیه و مهدویت»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، دانشکده علوم انسانی، گروه تاریخ.
- شمس آبادی، حسن. (۱۳۸۹) «نگاهی اجمالی به زمینه‌های تشکیل انجمن حجتیه و رویکرد آن به انقلاب اسلامی»، فصلنامه تخصصی پانزده خرداد، شماره ۲۲، ۱۸۶-۱۵۳.
- شیرخانی، علی و محمد رجائی نژاد (۱۳۹۲) «تحجر و تحجرگرایی در منظومه فکری امام خمینی»، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست متعالیه، سال اول، شماره سوم، صص ۸۰-۶۱.
- شجاعی مهر، رضا. (۱۳۸۷) «بررسی مهدویت در کلام سیاسی امام خمینی»، فصلنامه پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۲، صص ۱۱۷-۱۰۱.
- صدقی، ابوالفضل. (۱۳۸۸) «جریان شناسی انجمن حجتیه»، فصلنامه تخصصی پانزده خرداد، دوره سوم، سال

ششم، شماره ۲۰.

- علیانسب، سید ضیاءالدین و سلمان علوی نیک. (۱۳۸۶) جریان شناسی انجمن حجتیه، قم: زلال کوثر، چاپ سوم.
- عیسی نیا رضا. (۱۳۸۷) «درآمدی بر دکترین‌های مرتبط با فلسفه و مهدویت در جمهوری اسلامی»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۱۰۳-۷۵.
- فلیک، اوهه. (۱۳۹۱) درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی، چاپ پنجم.
- گلین‌رستمی، ابودر. (۱۳۹۰) «تأثیر اندیشه مهدویت بر تحولات سیاسی ایران معاصر (از دوره محمدشاه قاجار تا پیروزی انقلاب اسلامی)» پایان‌نامه کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- محمددوست، حسین. (۱۳۹۳) «نسبت سنجی اندیشه سیاسی مکتب تفکیک با اندیشه سیاسی امام خمینی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.
- نورآبادی علی و سید عباس نبوی. (۱۳۸۲) «گرداب شیطان؛ کاش «حجتیه» یک جریان فری بود: کندوکاوی درباره حال و گذشته حجتیه»، سوره اندیشه، شماره ۴، ۳۰-۳۴.
- نظرپور، رضا. (۱۳۹۱) عقل و تعقل در اندیشه امام خمینی در تقابل با خرافه و تحجر، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی